



| ۱۷۰ | سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس در جریان جعل حدیث

اکرم حسین زاده، محمد شریفی، سید محسن موسوی  
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه  
سال نوزدهم، شماره ۷۴ (ویژه پژوهش‌های حدیثی)، بهار ۱۴۰۱، ص ۱۷-۱۹

## سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس در جریان جعل حدیث

اکرم حسین زاده<sup>۱</sup> / محمد شریفی<sup>۲</sup> / سید محسن موسوی<sup>۳</sup>

### چکیده

جعل حدیث از پدیده‌های آشکار در روایات اسلامی است. برخی از روایات جعلی از طریق شناسایی روایان آن مشخص می‌گردد. سند روایاتی که زنجیره افراد آن را وضاعان تشکیل داده‌اند، نشان از جعلی بودن حدیث است. ابن جوزی در الم موضوعات به این افراد اشاره داشته و روایات مربوط به اینگونه افراد را نقل موضوعه به نام ثقات دانسته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی ضمن معرفی دوتن از افرادی که به نقل احادیث وضعی از نقهه معروفند، به بررسی روایات آنان پرداخته است. سلیمان بن ارقم متهم به وضع روایات از عایشه، ابوهریره، زهرا، حسن بصری است. این افراد از دیدگاه شیعه توثیق نشده‌اند. محمد بن یونس نیز به نقل موضوعه از ثقات متهم است که سند احادیث وی بیشتر به معصومین منتهی می‌گردد. شرایط و عوامل محیطی رجالیان دروضاع و کذاب نامیدن روایان مؤثر است. نقل احادیث بدون بررسی، موجبات ضعف ابن ارقم و محمد بن یونس را در زمان خویش فراهم نموده در حالی که واضح حدیث نبوده‌اند. برخی از این احادیث با داشتن سند صحیح، به دلیل برخی شواهد مانند وجود «حدیث معارض»، «عدم سازگاری با علم»، «شبیه نبودن به کلام معصوم»، «متنااسب نبودن با اعتقادات شیعه»، جعلی و موضوع دانسته شده‌اند. بنابراین امکان ورود روایات منتقله از اهل سنت به شیعه از طریق جعل سند صحیح نیز وجود داشته است.

### کلیدواژه‌ها:

سلیمان بن ارقم، محمد بن یونس، احادیث موضوعه، روایات منتقله، تدلیس.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران: AKRAMHOSEINZADE@GMAIL.COM

۲. دانشیار دانشکده الهیات علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول): M.SHARIFI@UMZ.AC.IR

۳. استادیار دانشکده علوم قرآن و حدیث دانشگاه الهیات دانشگاه مازندران: M.MUSAVIDUMZ.AC.IR



## ۱. طرح مسئله

جعل حدیث از موضوعات غیرقابل انکار در احادیث اسلامی است. برخی سخنان حدیث نما به نقل از موصومین علیهم السلام و یا صحابه پیامبر ﷺ توسط برخی افراد به هر عامل و انگیزه‌ای ساخته می‌شدند. از برخی صحابه چون عایشه و ابوهریره احادیث زیادی نقل شد. با توجه به شواهد متعددی، برخی از احادیث نقل شده از سوی آنان ضعیف بوده و یا امکان جعل آن داده شده است. علامه عسکری با طرح سؤالاتی درخصوص مقدار احادیث نقل شده از عایشه می‌گوید: «آنچه ام المؤمنین عایشه از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده، بالغ بر ۲۲۱ حدیث است در حالی که از سایر (آمہات مؤمنین) یعنی هشت نفر دیگر از زنان پیامبر تنها ۶۱۲ حدیث نقل شده است. احتمال بسیاری وجود دارد که افرادی، برای به کرسی نشاندن حرف غلط خود، احادیثی را به ایشان نسبت می‌دادند.» (عسکری، ۱۳۴۲، ش، ۴۷:۴-۴۲) مانند احادیثی که از تصمیم برخودکشی پیامبر ﷺ در اوائلبعثت خبر می‌دهند. رد پای این روایات در صحیح بخاری (بخاری، ۱۴۰۷، ق، ۹:۲۹) یافت می‌شود. اگر به سلسله سند روایاتی که در آن به جریان خودکشی پیامبر ﷺ اشاره شده دقت شود، فردی به نام معمر وجود دارد در حالی که در نقل‌هایی از احادیث که نام معمر نیست، قسمت پایانی حدیث (اقدام به خودکشی پیامبر ﷺ) در آن ذکر نشده است. یعنی ادامه اصل روایت «از زیادات و ابتکارات شخصی معمر است.» (بخاری، ۱۴۰۷، ق، ۲۳:۱۱۴ و ۱:۸؛ قشیری نیشابوری، بی‌تا، ۱:۱۳۹؛ عسقلانی، بی‌تا، ۱۹:۴۴۹).

بنابراین شناخت افرادی که به هر دلیل و انگیزه‌ای سخنان دروغ خود و یا سخن دیگران را به نام پیامبر ﷺ، صحابه و تابعان در اهل سنت و یا موصومین علیهم السلام در شیعه نسبت می‌دهند، ضروری می‌نماید. در الموضوعات این جزوی احادیثی جعلی شناخته شده‌اند که در سند آنان افراد وضع وجود دارد. از جمله آنان سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس هستند. این دو تن متهم به فراوانی نقل احادیث موضوعه به نام ثقات هستند. همچنین به دلیل انتقادی که از این دو تن در زمان حیاتشان نیز وجود داشت، راویان هم طبقه با این دونفر و یارا ویان در طبقات بعدی، در سند احادیثی که این دونفر حضور داشتند،



دست برده‌اند. احادیث نقل شده از سلیمان بن ارقم بیشتر از عایشه، ابوهریره، زهرا، حسن بصری و ابن سیرین است، در حالی که احادیث نقل شده از محمد بن یونس بیشتر به معصومان ؑ ختم می‌شود. بنابراین مسأله پژوهش این است که سلیمان بن ارقم در سلسله سند چه روایاتی حضور دارد؟ در سند روایات از وی با چه عناوینی یاد شده است؟ موضوعات نقل شده از محمد بن یونس در چه حبظه‌ای است؟ آیا مشابه احادیثی که این دو نفر در سلسله سند آن‌ها وجود دارند، در کتب معتبر شیعه وجود دارد؟ اگر وجود دارد جعلی است یا خیر؟ هدف از پژوهش حاضر شناخت احادیثی است که از جانب این دو تن نقل و نزد رجالیان به عنوان احادیث موضوعه مطرح شده‌اند.

### ۱- پیشینه پژوهش

پدیده جعل حدیث در زمان حیات پیامبر ﷺ نیز وجود داشت. بعد از پیامبر ﷺ، ائمه معصوم ؑ نیز بارها و بارها به خطر جعل حدیث و ورود آن به احادیث مسلمانان هشدار داده‌اند. و مسلمانان نیز در طول تاریخ اسلامی، به پدیده جعل حدیث توجه نموده‌اند.

آیه‌نامه، پژوهش، مقاله

در قرن ششم هجری با نگارش کتاب الموضوعات ابن جوزی، پالیش کتب حدیثی از احادیث جعلی آغاز شد. کتاب‌های دیگری نیز در خصوص احادیث جعلی نوشته شده از جمله کتاب تذكرة الموضوعات (فتنه، ۱۳۴۳ق)، کتاب کشف الخفاء و مزيل الإلbas عما اشتهر من الأحاديث على ألسنة الناس (عجلونی، ۱۳۵۱ق)، کتاب حدیث و محدثان (ابو زهو، ۱۳۶۹ق)، کتاب المنار المنیف فی الصحيح والضعیف (ابن قیم جوزی، ۱۳۹۰ق)، اللئالی المصنوعة (سیوطی، ۱۴۱۷ق)، الموضوعات الكبير (ملا علی قاری، بی‌تا)، کتاب المصنوع فی معرفة الحديث الموضوع (همو، بی‌تا)، کتاب اضواء علی السنۃ المحمدیہ او دفاع عن الحديث (ابوريه، ۲۰۱۹م)، کتاب نقش عایشه در تاریخ اسلام (عسکری، ۱۳۴۲ش)، کتاب ۱۵۰ صحابه ساختگی (همو، ۱۳۵۵ش)، کتاب غالیان کاوشی در جریان‌ها و برآینده‌ها تا پایان سده سوم (صفری فروشانی، ۱۳۸۸ش)، درسنامه وضع حدیث (رفیعی محمدی، ۱۳۹۰ش)، وضع و نقد حدیث (مسعودی،



ش). همچنین مقالات زیادی نیز در زمینه احادیث جعلی نوشته شده است مانند مقاله‌ی: نقد و بررسی احادیث موضوعه (بهشتی، ۱۳۸۰ش)، احادیث موضوعه و بررسی چند نمونه (کلباسی اصفهانی، ۱۳۸۷ش)، روش شناسی نقد علامه امینی الله بر احادیث موضوعه (غروی نائینی، بهادری، ۱۳۹۰ش)، تحلیل انتقادی کتاب «الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه» با محوریت احادیث مناقب امام علی الله (محمدزاده، ۱۳۹۹ش) کتابها و مقالات در زمینه وضع حدیث فراوان هستند که برشمردن آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد. اما کتابی که به جعل حدیث به عنوان یک جریان نگاه کرده کتاب «الموضوعات» ابن جوزی است که برخی از عوامل جعل حدیث را نام می‌برد. (ابوريه، ۲۰۱۹: ۹۸-۹۹) ابوریه نیز ۱۲ مورد از مواردی که در جعل حدیث نقش داشته‌اند را برمی‌شمارد. (ابوريه، ۹۴-۹۸، ۲۰۱۹) در کتاب الموضوعات ابن جوزی برخی از افراد متهم به نقل موضوعات به نام ثقات هستند که منجر به ایجاد جریان تدلیس در سند روایات حدیث شده‌اند. پژوهش حاضربه معرفی دو تن از این افراد و احادیثی که وضع نموده‌اند و همچنین تغییراتی که در سند روایات این دونفرداده شده، پرداخته است.

ش. ۱۳۹۶، پژوهش، شناسی، ۱۴۰۳، پژوهش

## ۲. سلیمان بن ارقم از دیدگاه رجالی

سلیمان بن ارقم (أبو معاذ بصری) مولی قریظه یا نضیرو یا مولی قریش، راوی برخی از احادیث نبوی است. وی از حسن بصری و یحیی بن کثیر و زهری و ابن سیرین روایت نقل کرده (دارقطنی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۱۵۵) و از سوی رجالیان حدیث مورد مذمت قرار گرفته است. (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۱: ۳۲۸؛ ابن معین، بی‌تا، ۱: ۱۲۷؛ دارقطنی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۱۵۵). بخاری احادیث وی را ترک کرده و در صحیح خویش نقل نکرده است. (بخاری، ۱۳۹۶ق، ۱: ۵۲؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۲: ۱۶؛ عقیلی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۱۲۱) در صحیح مسلم نیز روایتی از وی مشاهده نمی‌شود.

ابن حبان در هنگام نامبردن ازوی، او را واضع حدیث معرفی کرده که احادیث جعلی را به نام ثقات ساخته و یا اینکه احادیث ثقات را مقلوب می‌کند. (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۱: ۳۲۸) ابوزرعه وی را ذاھب (آورنده) حدیث و یحیی بن معین وی را فرد بی ارزشی معرفی



نموده است. (ابن معین، بی‌تا، ۱:۱۲۷؛ ابن جوزی، ۱۶:۲) سفیان ثوری و آدم بن موسی از ابی معاذ (سلیمان بن ارقم) حدیث نقل می‌کنند. (عقیلی، ۱۴۰۴: ۲: ۱۲۱) نسائی معتقد است که ابی معاذ ضعیف است. (نسائی، ۱۳۹۶: ۱: ۴۸)

عمر بن نحیح (ذهبی، ۱۳۸۷: ۲: ۴۷۵؛ ابن زریق، ۱۴۲۸: ۲: ۹۶) و عمرو بن محمد الأعسم (الأعصم) (دارمی بستی، ۱۳۹۶: ۲: ۷۴؛ ذهبی، ۱۳۸۷: ۱: ۳۰۵؛ همو، بی‌تا، ۲: ۴۸۹) به خاطر نقل از سلیمان بن ارقم ضعیف شناخته شده‌اند.

ابن جوزی در الم موضوعات از سلیمان بن ارقم نام برده که در نقل احادیث جعلی به نام ثقات و قلب احادیث، مورد مذمت ابن جوزی قرار گرفته است. در سلسه سند احادیث، از سلیمان بن ارقم با عنوانین دیگری یاد شده است. از جمله: أبا معاذ الصانع (ابن جوزی، ۱۳۸۶: ۳: ۱۴۷)، محمد بن اسماعیل الصانع (ابن جوزی، ۱۳۸۶: ۱: ۱۶۲) و مراد از شیخ در عبارت «عن شیخ عن الزهری: از شیخی از زهری» (ابن جوزی، ۱۳۸۶: ۳: ۹۰) همگی سلیمان بن ارقم هستند. این شخص در زمان خودش نیز مطرود بوده است. محمد بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که ما در ایام جوانی مان از مجالست با سلیمان بن ارقم نهی می‌شدیم. (ذهبی، ۱۳۸۲: ۲: ۱۹۶).

بنابراین راوی حدیث پس از او، به دلیل مطرود بودن این فرد، مجبور به تدلیس در سند حدیث بوده تا آن را از اعتبار نیندازد، به عنوان مثال: محمد بن سالم کوفی (أبوسهل) از جمله افرادی است که از ضعفاء نقل حدیث می‌کند. برای اینکه از ضعف سندی حدیث خود بکاهد، راوی ضعیف را با کنیه، خطاب می‌کند. در سند احادیث وی به جای نام بردن از سلیمان بن ارقم از لفظ أبو معاذ استفاده شده است. (دارمی بستی، ۱۳۹۶: ۲: ۲۶۲)

### ۳. احادیث موضوعه از سلیمان بن ارقم

از سلیمان بن ارقم احادیثی نقل شده که موضوعه خوانده شده است در حالی که برخی از آنان از نظر متنه مشکلی ندارند؛ مانند حدیث: «مَا أَحْسَنَ الْهَدِيَّةَ أَمَّا الْحَاجَةُ»<sup>۱</sup>

۱. چه نیکوست هدیه دادن در زمان نیاز.



در سلسله سند حدیث آمده: «**حَدَّثَنَا عَبَادُ عَنْ شَيْخِ عَنِ الزُّهْرِيِّ**»، عبارت «عن شیخ» همان سلیمان بن ارقم است. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۹۰) با وجود اینکه ابن جوزی حدیث فوق را جعلی دانسته است اما به کار بردن عبارت «عن شیخ» برای پوشاندن ضعف سند حدیث فوق بوده است، زیرا همانگونه که بیان شد، سلیمان بن ارقم در عصر خود نیز متهم به وضع حدیث بوده است. در حدیث دیگر آمده: «**أَتَقْرَا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْنَا اللَّهُ**»<sup>۱</sup> این حدیث از طریق ابو معاذ صائغ... از رسول خدا صلوات الله عليه وآله وسلام نقل شده است. ابن جوزی، ابو معاذ صائغ را همان سلیمان بن ارقم می‌داند. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۱۴۷) در دو حدیث پیش‌گفته، راوی به خاطر ترس از ضعف سلیمان بن ارقم، وی را بالقب یا کنیه نام برده است و همین امر موجب شده تا ابن جوزی آن احادیث را موضوعه بنامد و گزنه از نظر منتی مشکلی در دروروایت فوق وجود ندارد.

### ۱-۳. اعتقاد به سهو النبی

از سلیمان بن ارقم روایت شده که «**أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَجَدَ سَجْدَتَيِ الْوَهْمِ قَبْلَ أَنْ يُسَلِّمَ**»<sup>۲</sup> (اصفهانی، ۱۴۱۹ق، ۲: ۷۶۵) در ساختگی بودن حدیث همین بس که با اعتقادات شیعه درخصوص سهو النبی سازگار نیست.

### ۲-۳. حدیث صدقه

در حدیث «**لَا نَذِرٌ فِي مَعْصِيَةٍ، وَكُفَارَتُهُ كَفَارَةُ يَمِينِ**»<sup>۳</sup> که از ابابسلمه از عایشه مرفوعاً آمده، قسمت اول حدیث صحیح است ولی قسمت دوم حدیث که کفاره آن را بیان می‌کند، موضوعه است. (ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ۴: ۲۳۳) زیرا سلسله سندی که سلیمان بن ارقم راوی آن است، وارونه شده است.

حدیث صدقات از جمله احادیثی است که حضور سلیمان بن ارقم در آن مطرح است. این حدیث از طریق سلیمان بن داود خوانی ذکر شده است، که نزد

۱. از زیرکی مؤمن بیزیزید زیر؛ وی با نور خدا نظر می‌کند.

۲. پیامبر ﷺ قبل از آنکه سلام دهد دو سجدۀ وهم بجا آورد.

۳. نذر کردن در معصیت درست نیست و کفاره آن کفاره سوگند است.



رجالیان ثقه مأمون است. (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۳۳۴:۱) ابوزرعه دمشقی و ابوعبدالله منده الحافظ معتقد هستند که اصل (كتاب) یحیی بن حمزه از سلیمان بن ارقم است و آنکه نام سلیمان بن داود خولانی را آورده، توهمند نموده است. (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ۲۹۹:۸) یعنی، یحیی بن حمزه از سلیمان بن ارقم روایت نموده نه از سلیمان بن داود خولانی.

حدیث فوق به خوبی روند جعل حدیث یا تدلیس در سندهای حدیث را نشان می‌دهد. در سندهای حدیث ابتدا سوء ظن به زهری بوده زیرا؛ دو واسطه از سندهای روایت حذف شده بود (سلیمان بن ارقم و یحیی بن ابی کثیر) که آن را از ابی سلمه به طور مرسل نقل نمودند. ترمذی بعد از اخراج حدیث معتقد است که سوء ظن از زهری برداشته می‌شود زیرا؛ ابی سلمه از زهری حدیث نشنیده است. چراکه بین این دونفر، دو واسطه وجود دارد که سلیمان بن ارقم و یحیی بن ابی کثیر است. در این حدیث تدلیس شده که از زشت ترین نوع تدلیس است (حنبلی، بی‌تا، ۲۲۰:۲) و انگشت اتهام در تدلیس در سندهای روایت فوق به سفیان ثوری وأعمش برمی‌گردد زیرا؛ بعید است که زهری به سلیمان بن ارقم که شاگرد وی بوده، سوء ظن داشته باشد، وازوی نامی نبرده باشد اما اعمش و ثوری به ثقه بودن سلیمان بن ارقم اعتقاد داشتند، اما به جهت آنکه دیگران وی را ضعیف می‌شمردند، نامش را از سندهای روایت حذف نمودند. (شنقیطی، ۱۴۱۵ق، ۵:۲۴۰)

نمونه دیگری از تدلیس در سلسله سندهای که نام سلیمان بن ارقم حذف شده، مربوط به حدیث: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَتَبَ إِلَى أَهْلِ الْيَمَنِ بِكِتَابٍ فِيهِ الْفَرَائِضُ، وَالشَّنَّئُ» که در سندهای این روایت سلیمان بن ابی داود آمده که در اصل همان سلیمان بن ارقم است. علت موضوعه خواندن احادیث مطرح شده، اول تدلیس در سندهای روایت دوم متن حدیث است که در برخی از آنان اضافاتی رخداده است. مانند حدیث صدقات که بخش اول آن «لَا نذر فِي الْمُعْصِيَةِ» صحیح و بخش دوم آن «کفارته کفاره یمین» از موضوعات سلیمان بن ارقم است. در ادامه حدیث آمده: «وَلَا يُصَلِّ أَحَدُكُمْ وَهُوَ عَاقِصٌ شَعْرَةٌ؛ كَسَى كَهْ مُهَايِش رَأْوَسَط سَرْشَ بَسْتَه، نَمَازْ نَخَوَانَد». (اصفهانی، ۱۴۱۹ق، ۳:۱۴۷۰)



۴) در الکافی حدیثی آمده که «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّاً فِي رَجُلٍ صَلَّى فَرِيقَةً وَ هُوَ مُعَقَّصُ الشَّعْرِ قَالَ يُعِيدُ صَلَاتَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۴۰۹؛ طوسی، ۱۳۶۵ش، ۲: ۲۳۳) در حالی که حکم تحریم بستن مودروس طبری مردان اجتماعی نیست به خاطر ضعف روایت، بلکه اقوی این است که مکروه باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۳۰۹)

### ۳-۳. روایات اختلاف قرائت

سلیمان بن ارقم در سلسله سند برخی قرائات شاذ وجود دارد که همین امر موجبات ضعف آن قرائت را فراهم آورده است. برخی از این نمونه‌ها را می‌آوریم:

الف- در تفسیر طبری در قرائت آیه «فَلَكَفَنِي بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدُهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»<sup>۱</sup> (اسراء: ۹۶) در قرائتی شاذ آمده «عَنْدَ اللَّهِ عِلْمُ الْكِتَابِ» این روایت از طریق قاسم... از هارون الأعور از زهری از پیامبر ﷺ نقل شده است. طبری معتقد است که این خبر نزد ثقات از اصحاب زهری اصلی ندارد و صحیح نیست. (طبری، ۱۴۲۰ق، ۱۶: ۵۰۶) هیشمی در مجمع الزوائد اصل حدیث را خارج نموده و معتقد است که سند حدیث فوق منقطع است و دلیل آن هم اینکه هارون الأعور از زهری حدیثی نشنیده است. پس فردی در سلسله سند جامانده که ابویعلی از سلیمان بن ارقم نقل کرده است. (هیشمی، ۱۴۱۴ق، ۱۵۵: ۷) برخی معتقدند که بین هارون الأعور و زهری، سلیمان بن ارقم وجود دارد. با توجه به تاریخ وفات زهری (۱۲۴ق) و سال وفات هارون الأعور (۱۷۰ق) این امکان که هارون الأعور از زهری حدیث شنیده باشد، وجود داشته است. اما هیچ حدیثی غیر از حدیث فوق از هارون الأعور از زهری وجود ندارد. همین امر موجب شده تا در تخریج حدیث فوق وجود سلیمان بن ارقم محتمل شمرده شود. (سیوطی، بی‌تا، ۴: ۶۶۸؛ طبری، ۱۴۲۰ق، ۱۶: ۵۰۶)

در نقلی دیگر سلیمان بن ارقم از زهری آمده که رسول خدا ﷺ آیه را چنین می‌خواندند:

۱. مردی نماز واجبی خواند در حالی که موهايش را وسط سرش بسته بود. امام فرمود: نمازش را اعاده کند.
۲. (ای پیغمبر پس از اتمام حجت به امت) بگو: خدا شاهد میان من و شما کافی است که او به (احوال) بندگانش آگاه و بصیر است.



﴿وَمَنْ عِنْدِهِ عُلَمَاءُ الْكِتَاب﴾ که به خاطر وجود سلیمان بن ارقم قرائت فوق جعلی شناخته شده است. (علبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ۳۰۲:۵)

ب- در قرائت آیه «يَا بَنِي آدَمْ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوِيَّةِ ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ» (اعراف: ۲۶) در قرائت کلمه «ريشاً» از زبان عثمان بن عفان آمده «ريشاً» که سلسله سند آن را سلیمان بن ارقم از حسن نقل کرده است. (طبری، ۱۴۲۰ق، ۳۶۷:۱۲، ۳۶۸-۳۶۹)

کلمه «ريشاً» آمده باید دقت نمود. (علبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ۳۶۳)

ج- نمونه‌ای دیگر در قرائت آیه شریفه ۱۲۶ از سوره مبارکه بقره «فَأَمْتَعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرْهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ» سلیمان بن ارقم... از ابن عباس روایت کرده: «فَأَمْتَعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرْهُ» که به صورت دعایی از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام مطرح شده است که احتمالات تفسیری را به دنبال دارد. و این روایت به دلیل وجود سلیمان بن ارقم ضعیف است. (ابن جنی، ۱۴۲۵ق، ۱:۱۰۵-۱۰۴)

### ۳-۴. روایت تحریف قرآن

سلیمان بن ارقم از زهری نقل می‌کند که دو مرد سوره‌ای را که پیامبر ﷺ به آن دو إقراء کرده بود، پیوسته می‌خواندند. شبی برخواستند که نماز بخوانند حتی حرفی از آن سوره را به خاطر نیاورندند. فردا نزد رسول خدا ﷺ رفتند و موضوع را بیان نمودند. پیامبر ﷺ گفت که آن سوره از جمله مواردی است که نسخ و فراموش شده است. پس، از آن دوری کنید. (ابن کثیر، بی‌تا، ۳۷۷-۳۷۶:۱) روایت فوق نیز به دلیل وجود سلیمان بن ارقم ضعیف است. (ابن کثیر، بی‌تا، ۳۷۶-۳۷۷:۱) بحث نسخ سوره یا آیه‌ای که موجب نسیان گردد، نزد شیعه قابل پذیرش نیست.

برخی احادیث نیز وجود دارند که تنها سلیمان بن ارقم از زهری روایت می‌کند. (متقی

۱. ای فرزند آدم، محققاً مالباس که سترا عورات شما کند و جامه‌هایی که به آن تن را بیارا بعد برای شما فرستادیم، ولباس تقوانیکوترين جامه است. این سخنان همه از آیات خداست (که به بندگان فرستادم) شاید خدا را یاد آرند.



هندي، ۱۴۰۱ق، ۲: ۲۹۸) مانند روایتي که در آن پیامبر ﷺ فراموش می‌کند آيه‌اي را در نماز بخواند و سؤال کننده از پیامبر ﷺ می‌پرسد که آيا اين آيه نسخ شده است یا نه؟ (متقى هندي، ۱۴۰۱ق، ۸: ۲۹۵) که به سهو والنبي اشاره دارد.

#### ۴. محمد بن یونس قرشی از دیدگاه رجالی

محمد بن یونس بن موسی بن سلیمان بن عبید بن ربیعه بن کدیم أبوالعباس قرشی سامي بصری معروف به کدیمی (متوفی ۲۸۶ق)، پسر همسر روح بن عباده است. او از راویان زیادی روایت کرده است و افراد زیادی نیاز از روایت کردند. گفته شده که وی متهم به ساختن بیش از هزار حدیث است. (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۲: ۳۱۳؛ ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۱: ۲۹۰ و ۲: ۱۶۳)

از تاریخ برمی‌آید که وی در سلسله سند احادیث نیزدست می‌برد و متهم به جعل حدیث و دزدی ادبی است. ادعای دیدن مردمی را می‌کرد که ندیده بوده و از مردمی روایت می‌کرد که آنها را نمی‌شناخت، حتی از افرادی که مرده بودند، روایت نقل می‌نمود گویا که زنده هستند. روایت خود را به پدر بزرگ خود موسی نسبت می‌داد که شناخته شده نیست. (ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ۷: ۵۵۳؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ۴: ۶۸۸) اعتبار روایات معلى بن فضیل که نزد رجالیان ثقه است به خاطر وجود کدیمی مورد قبول نیست. (دارمی بستی، ۱۳۹۳ق، ۹: ۱۸۲) برخی معتقدند که خلیفة بن خیاط ملقب به شباب العصفری، به خاطر اینکه از کدیمی روایت کرده، ضعیف شمرده شده است. (ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ۳: ۵۱۷) کدیمی در طب معروف بوده و روایات منکرو غریب، زیاد می‌گفت. (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ۴: ۶۸۸)

أبو بكر أحمـد بن مطلـب هاشـمي گـفـته کـه رـوزـي نـزـد قـاسـم بن زـكـريا مـطـرـز بـودـيم کـه در حـال قـرـائـت مـسـنـد اـبـي هـرـيرـه بـودـ. در كـتابـش به حـدـيـشـي اـزـ کـدـيـمـي رسـيدـ، اـزـ قـرـائـت آـن اـمـتـنـاع وـرـزـيـدـ. محمدـ بنـ عبدـ الجـبارـ کـه اـزـ کـدـيـمـي بـزـرـگـترـ بـودـ بـرـخـاستـ وـ گـفـتـ اـیـ شـیـخ دـوـسـتـ دـارـمـ آـنـ رـاـ بـخـوـانـیـ. قـاسـمـ إـبـاـ کـرـدـ وـ گـفـتـ: مـنـ فـرـداـ درـ نـزـد خـداـونـدـ زـانـوـ خـواـهمـ زـدـ وـ خـواـهمـ گـفـتـ: اـيـنـ فـرـدـ بـرـرـسـولـ توـوـ بـرـعـلـمـاءـ درـوغـ مـیـ بـسـتـ. (حلـبـيـ، ۱۴۰۷قـ، ۲۵۴ـ؛ خطـیـبـ)



بغدادی، ۱۴۲۲ق، ۶۸۸:۴) علی بن مدینی که هم طبقه با او بوده به او گفت: نزد تو چیزهایی است که نزد من نیست. (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ۶۸۸:۴)

کدیمی در زمان خود نیز به وضع حدیث متهم بوده است و از این بابت متأثرو گریان شده و کسانی که به او تهمت کذب بررسول خدا ﷺ را زندن به روز قیامت و در پیشگاه خداوند حواله کرده است. جعفر طیالسی گفته کدیمی ثقه است و علت متهم بودن او به خاطر این است که اهل بصره هر آنچه را که می‌شنیدند حدیث می‌کردند. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۴: ۶۸۸)

ابن جوزی از محدثینی که تنها به کشت رواياتشان اكتفا می‌کنند و احادیث را هر چند موضوعه باشد، نقل می‌کنند بدون اینکه آن را برای مردم تبیین نمایند انتقاد می‌نماید و آن را از قبیح ترین خطاهای جنایت بر اسلام می‌شمارد. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۱: ۵۲-۵۳) او معتقد است کسانی که از کذاب و ضعیف نقل روایت می‌کنند بدون اینکه نامی از او ببرند یا اینکه از او با لقب و کنیه یاد می‌کنند تا ضعف سندی خود را پوشانند، بر اسلام جنایت کردن؛ مانند نام محمد بن موسی در سلسله سند روایات در حالی که او محمد بن یونس بن موسی (کدیمی) است. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۱: ۵۲-۵۳)

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

## ۵. احادیث موضوعه از گُدیمی

محمد بن یونس که در سلسله سند روایت با عنوان گُدیمی نیز ذکر شده است احادیثی را به نقل از صحابه و معصومین بیان می‌دارد که در وضعی بودن آن شکی نیست؛ مانند:

### ۱-۵. حدیث صباغون و صواغون

کدیمی... از رسول خدا ﷺ روایت نمود که «أَكْذَبُ النَّاسِ الصَّبَاغُونَ وَالصَّوَاغُونَ»<sup>۱</sup> (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۲: ۳۱۳؛ ابن قیم جوزیه، ۱۳۹۰ق، ۱: ۵۲) نسبت دروغگویی به همه افراد یک صنف نشان از جعلی بودن حدیث فوق دارد.

۱. رنگرزان و جواهر فروشان دروغگویی مردمان هستند.



### ۵-۲. حدیث سروزان پیران بهشت

حدیث «لَا تَسْبِّوا أَبَابِكُرَ وَعُمَرَ، فَإِنَّهُمَا سَيِّدَا كَهْوَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأُولَئِينَ وَالآخِرِينَ إِلَّا النَّبِيُّنَ وَالْمَرْسُلُونَ» (خویی، بی‌تا، ۲: ۳۴۶-۳۴۵) از کدیمی است. در ضعف حدیث فوق همین بس که در بهشت پیری وجود ندارد. علاوه بر آن کدیمی نزد رجالیان حدیث متهم است. شبیه حدیث فوق از أبو معاذ (سلیمان بن ارقم) در کتاب المصنف ابن ابی شبیه آمده است. (ابن ابی شبیه، ۶: ۳۵۰)

### ۵-۳. حدیث فضل کاسنی

گفته شده که کدیمی در سلسله سند روایات طبی نیز حضور دارد. ابن قیم جوزیه در کتاب المنار المنیف از زبان ابن جوزی، روایات باب اطعمه و اشربه، خواص گیاهان دارویی و برتری گل‌ها را ساختگی دانسته است. (ابن قیم جوزیه، ۱: ۵۴ و ۱: ۱۳۰) مانند حدیث فضل کاسنی (هندباء) (ابن قیم جوزیه، ۱: ۵۴ و ۱: ۱۳۹) که ابن جوزی روایت آن را به دلیل وجود کدیمی ساختگی می‌داند. روایتی از امام حسین علیه السلام نقل شده که «مَا مِنْ وَرَقَةٍ مِنْ وَرَقِ الْهِنْدِ بَا إِلَّا عَلَيْهَا فَقْرَةٌ مِنْ مَاءِ الْجَنَّةِ»<sup>۱</sup> که در سند آن محمد بن یونس آمده است. (ابن جوزی، ۲: ۲۹۸-۲۹۹) حدیث فضیلت کاسنی در کتاب کافی با ده سند آمده است که در یکی از آن‌ها نقل شده: «وَفَضْلُهَا عَلَى الْبُقُولِ كَفَضْلِنَا عَلَى النَّاسِ»<sup>۲</sup> (کلینی، ۶: ۳۶۳) با این وجود حدیثی در همین کتاب آمده در برتری کراث (تره) بر هندباء که با وجود سخن امام در برتری هندباء، امام علیه السلام به حنان می‌گوید که کرات بخورد به خاطر اینکه هفت قطره از بهشت در هر روز برتره می‌بارد. (کلینی، ۶: ۳۶۳) سؤالی که مطرح می‌شود این است که نتکاندن کاسنی به دلیل وجود قطره‌ای از آب بهشت بر آن قبل از شستن کاسنی است یا بعد از آن؟! اگر قبل از آن باشد که خوردن سبزی نشسته، هیچ‌گاه توصیه نمی‌شود و اگر بعد از شستن آن باشد که وجود قطره‌ای از آب بهشت بر آن معنا ندارد. نکته دیگر که نظریه جعلی بودن روایت فوق را قویتر

۱. هیچ برگی از کاسنی وجود ندارد مگر اینکه قطره‌ای از آب بهشت بر روی آن باشد.

۲. و برتری آن بر سایر سبزیجات مانند برتری ما بر سایر مردم است.



می‌کند این است که برای تره نیز همین خصوصیات ذکر شده است.  
کنار هم گذاشتن احادیثی که در کتاب‌های معتبر شیعه در برتری سایر سبزیجات  
ونوع نقل آن احادیث آمده که گاه در تعارض با حدیث فوق است، ظن به جعلی بودن  
برخی از آنان را قویتر می‌سازد. احادیثی که خود آن‌ها نیز به خاطر معارض بودن با همدیگر  
و یا مشکلات دلایل دیگر می‌تواند ساختگی باشد. مانند حدیث: عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ  
عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: «كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ الْمَائِدَةُ فَمَلَأْتُ عَلَى الْهِنْدَبَاءِ  
فَقَالَ لِي: يَا حَنَانُ! لِمَ لَا تَأْكُلُ الْكُرَاثَ قُلْتُ لِمَا جَاءَ عَنْكُمْ مِنَ الرِّوَايَةِ فِي الْهِنْدَبَاءِ قَالَ:  
وَمَا الَّذِي جَاءَ عَنَّا. قُلْتُ: إِنَّهُ قَبِيلَ عَنْكُمْ إِنَّكُمْ قُلْتُمْ إِنَّهُ يَقْطُرُ عَلَيْهِ مِنَ الْجَنَّةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ  
قَطْرَةً قَالَ عَلَيْهِ: فَعَلَى الْكُرَاثِ إِذْنُ سَبْعَ قَطْرَاتٍ قُلْتُ: فَكَيْفَ آكُلُهُ؟ قَالَ: افْطِعْ أُصُولَهُ  
وَافْلِفْ بِرْءَوِسِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۶: ۳۶۵-۳۶۳). توجه به احادیث فراوانی که در فضل  
کاسنی از پیامبر ﷺ نقل شده و در فضیلت و برتری آن سخنان زیادی گفته شده، تره بر  
کاسنی برتری می‌یابد. فراموشی امام در مورد سخنی که قبل‌گفته و نادیده گرفتن سخنان  
پیامبر ﷺ در فضیلت و برتری کاسنی، ظن به جعلی بودن این روایت از کتاب کافی را  
نیز قوی می‌سازد.

#### ۵-۴. پیامبر بعد از خاتم النبیین

در برخی روایات وارد شده است که اگر فرزند پیامبر ﷺ - ابراهیم علیهم السلام - از دنیا نمی‌رفت،  
او پیامبر می‌بود. (سیوطی، ۱۴۲۴، ۲: ۲) همه احادیث در این رابطه، از نظر سندي  
ضعیف هستند. خصوصاً روایتی که در سند آن محمد بن یونس (کدیمی) آمده که با  
واسطه از ابن عباس نقل نموده است. نکته قابل تأمل اینکه رجالیان حدیث چون ابن  
حجر در الإصابة به توجیه روایت پرداختند. (ابن حجر، ۱۴۱۵، ۱: ۱۴۰؛ سیوطی، ۱۴۲۴، ۲: ۲)

۱. با ابی عبد الله برس سفره بودیم. پس، من از کاسنی خوردم پس به من گفت: یاحنان! چرا تره نمی‌خوری؟  
گفتم به خاطر آنچه از روایت شما که در مورد کاسنی گفته شده است. فرمود: و چه چیزی از ما آمده  
است، گفتم: همانا از شما گفته شده که فرمودید: بر کاسنی قطره‌ای از بهشت است. پس امام علیهم السلام  
گفت: پس برتره هفت قطره از بهشت است. به ایشان گفتم چگونه بخورم آن را فرمود: ریشه‌اش راقطع  
کن و سرهایش را بدارید.



۱۲۰-۱۲۱) که اگر قرآن ملاک عمل قرار می‌گرفت نادرستی حدیث مشخص بود. آیه شریفه ۴۰ از سوره مبارکه احزاب حضرت محمد ﷺ را خاتم النبیین می‌نامد. زمان نزول سوره احزاب قبل از تولد ابراهیم فرزند پیامبر ﷺ بوده است. پس تمامی روایاتی که به نبی بودن ابراهیم فرزند پیامبر ﷺ اشاره دارد ساختگی است.

## ۶. احادیث جعلی مشترک میان سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس

رجالیان در بررسی اسناد روایات همه طرق آن را مورد مطالعه قرار می‌دهند. حدیثی که از چند طریق ذکر شده باشد همه طرق آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد. گاه برخی از طرق روایات دارای زنجیره صحیح هستند، اما برخی طرق روایات از افراد ضعیف یا وضع نقل شده است. زمانی اعتماد به طور کامل از حدیث سلب می‌شود که در تمام طرق آن فردی متهم به کذب یا وضع حدیث وجود داشته باشد. در سلسه سند برخی احادیث جعلی شناخته شده از کتاب‌های موضوعه نگاری، در هر سند جداگانه فردی وضع وجود دارد که اصل حدیث را از اعتبار می‌اندازد. اینک به احادیثی پرداخته می‌شود که دو طریق آن به سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس کدیمی ختم می‌شود که وضعی شناخته شده‌اند.

### ۶-۱. حدیث زرقه العین

حدیث «چشم آبی یمن است و حضرت داود چشم آبی بود.» از سلیمان بن ارقم نقل شده است. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۱۶۲:۱) در کشف الاسرار مبیدی نیز حدیث فوق ازابی هریره نقل شده است که «الزرقة یمن و کان داود علیہ ازرق» (مبیدی، ۱۳۷۱ش، ۶:۲۷۶) از عایشه نیز نقل شده است: «الزُّرْقَةُ فِي الْعَيْنِ يَمِينٌ» که در سلسه سند روایت فوق عباد بن صهیب و محمد بن یونس کدیمی وجود داشته و روایت به خاطر وجود این دونفر جعلی دانسته شده است. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۱۶۲:۱) پس در سند روایات فوق دو فرد وجود دارند که به نام ثقات موضوعات را نقل می‌کنند. در کتب شیعه نیز وارد شده است که: «تَرَوَّجُوا الرُّزْقَ فَإِنَّ فِيهِنَّ الْيُمْنَ»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵:۳۳۵) در حالی که حدیثی داریم که

۱. بازنان چشم آبی ازدواج کنید زیرا؛ در آن‌ها یمن و مبارکی است.



مؤمنان متاع خیر (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۷۸:۷۲) و مجرمان (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۱:۷) در روز قیامت چشمانشان آبی است. با توجه به اینکه حدیث فوق در منابع شیعی حدیث معارض نیزدارد، جعلی دانستن یکی یا هردوی آن‌ها محتمل است.

## ۶-۲. حدیث حسان الوجوه

حدیث: «اَطْلُبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حَسَانِ الْوُجُوهِ وَسَمُّوَا بِخِيَارِكُمْ، وَإِذَا أَتَأْكُمْ كَرِيمُ قَوْمٍ فَأَكْرِمُوهُ»<sup>۱</sup> در سلسله سنده این حدیث محمد بن اسماعیل وجود دارد که با واسطه از زهری حدیث نقل کرده است. ابن جوزی واضح حدیث را محمد بن اسماعیل (سلیمان بن ارقم) می‌داند. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۱۶۲:۲) بنابراین راویان در طبقات بعدی به جای ذکرnam سلیمان بن ارقم، ازوی با عنوان محمد بن اسماعیل نام برداشت ضعف سنده حدیث فوق را پوشانند.

حدیث فوق از طریق کُدَیْمی نیز نقل شده است که: «اَطْلُبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حَسَانِ الْوُجُوهِ» (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۲:۳۱۳؛ ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۲:۱۶۰) در کتب شیعه نیز حدیث فوق با اسناد متفاوت ذکر شده است. (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ق، ۱:۷۹؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ۱:۳۹۴) در کتاب کافی بخش دوم حدیث سلیمان بن ارقم آمده که: «إِذَا أَتَأْكُمْ كَرِيمُ قَوْمٍ فَأَكْرِمُوهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶۵۹:۲) دقت در معنای واژگان مشخص خواهد نمود که حدیث فوق جعلی است یا خیر. معنای حسان الوجوه نباید زیبارو باشد زیرا؛ در حدیث دیگری آمده: «اَطْلُبُوا حَوَائِجَكُمْ عِنْدَ حَسَانِ الْوُجُوهِ، فَإِنْ قَضَى حَاجَتَكَ قَضَاهَا بِوَجِهٍ طَلِيقٍ، وَإِنْ رَدَّكَ رَدَّكَ بِوَجِهٍ طَلِيقٍ، فَرُبَّ حَسِنِ الْوَجْهِ دَمِيمٌ عِنْدَ طَلْبِ الْحَاجَةِ، وَرُبَّ دَمِيمِ الْوَجْهِ حَسَنٌ عِنْدَ طَلْبِ الْحَاجَةِ»<sup>۲</sup> (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ۶:۵۲۰) ادامه حدیث نشان می‌دهد که مراد از حسان الوجوه، انسان خوش رواست نه انسان زیبارو. بنابراین اگر مراد احادیث، زیبا رویان باشد، حدیث جعلی است، اما اگر مراد از آن انسان‌های خوش رو باشد همانگونه که ابن

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

۱. خیر راند نیکورویان بطلبید و به اختیاراتان نام ببرید و هرگاه کریم قومی را دیدید او را گرامی بدارید.
۲. نیازهای خود را از خوش رویان بخواهید؛ زیرا اگر نیاز تورا برآورده کند، با گشاده رویی می‌کند و اگر دست رد به سینه ات زند، باز با گشاده رویی می‌زند. بسا خوش رویی که در هنگام نیاز خواهی ازاو، زشت رو می‌شود و بسا زشت رویی که در هنگام نیاز خواهی ازاو خوش رویی شود.



منظور به آن تذکر داده (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۵: ۲۱۳) حدیث صحیح است.

### ۳-۶. حدیث پوشیدن صوف

حدیث «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَجْلِسَ مَعَ الْهُوَ فَلْيَجْلِسْ مَعَ أَهْلِ الصُّوفِ» از طریق احمد بن عبدالله جویباری از... ابی هریره از رسول خدا نقل شده که دروضاع بودن جویباری شکی نیست. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۴۹-۵۰) و حدیث «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَجْدِ حَلاوةَ الإِيمَانِ فَلِيلِبِسِ الصُّوفِ» از سلیمان بن ارقم نقل شده است. (ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ۴: ۲۳۱؛ ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۴۹-۵۰)

کدیمی نیز در خصوص پوشیدن لباس صوفی حدیثی دارد که «احمد بن احمد متوكلی... از محمد بن یونس... از رسول خدا ﷺ نقل شده که «عَلَيْكُمْ بِلِبَاسِ الصُّوفِ تَجِدُوا حَلاوةَ الإِيمَانِ فِي قُلُوبِكُمْ، وَعَلَيْكُمْ بِلِبَاسِ الصُّوفِ تَجِدُوا قِلَّةَ الْأَكْلِ، وَعَلَيْكُمْ بِلِبَاسِ الصُّوفِ تُعْرَفُونَهُ فِي الْآخِرَةِ، وَإِنَّ لِبَاسَ الصُّوفِ يُورِثُ الْقُلْبَ التَّفَكُّرَ» رجاليان معتقدند که واضح حدیث فوق کدیمی بوده است. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۴۸-۴۹) در کتاب الكافی دو حدیث در مذمت و یک حدیث در مدح پوشیدن لباس صوف آمده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۴۵۰-۴۴۹)

### ۷. نظریه مختار درباره وضعیت رجالی سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس

یکی از اشکالاتی که بر کتاب الموضوعات ابن جوزی وارد است، اینکه وی احادیث ضعیف را هم در زمرة احادیث جعلی گنجانده است. علت آن به بررسی های سندی رجالیانی چون ابن معین و ابن حبان و دیگران برمی گردد. بررسی این نکته که شرایط زمانی و محیطی ای که در آن رواییان چه در شیعه و چه اهل سنت تضعیف شده اند، مهم است. کذاب خواندن برخی رواییان به معنای دروغگویی بودن آنها نیست؛ زیرا در میان حجازیان کسی که خطا کرده باشد کذاب نامیده می شود. (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۶: ۱۱۴) به عنوان مثال یحیی بن معین از رجالیان اهل انبار بوده است که به

۱. بر شما باد به پوشیدن لباس پشم که شیرینی ایمان را در قلبتان می یابید و به کم خوردن دست می یابید و در آخرت اورامی شناسید و همانا لباس پشم قلب را به تفکروا می دارد.



مراکز علمی چون حجاز سفر کرده است و حدیث آنان را فراگرفت (ابویعلی، ۱۴۰۹ق، ۵۹۵:۲) پس اگر از روایانی با عنوان کذاب نام برد، امکان خطای راوی در نقل روایت وجود داشته است. نه وضع بودن وی. سخن دیگر اینکه چه بسا راوی به خاطر نقل حدیث کذب، کذاب یا واضح حدیث خوانده شده است، گرچه خود اهل بر ساختن حدیث نباشد. (رک: شاه پسند، ۱۳۹۵ش، ۱۳۳) با توجه به اینکه ابن ارقم و محمد بن یونس در زمان خودشان متهم به نقل بدون بررسی روایات بودند و هر آنچه می‌شنیدند نقل می‌نمودند، کذاب و یا واضح حدیث خوانده شده‌اند؛ در حالی که ضعف آنان در نقل روایات ضعیف و جعلی پذیرفتنی است.

#### ۸. نتیجه

۱- نقل احادیث وضعی در شیعه و اهل سنت، موجب کنکاش در احادیث و بررسی متنی و سندی آن‌ها نزد رجالیان و محققان شده است. افرادی در زنجیره سند احادیث به عنوان جاعلان حدیث معروف شده‌اند. رجالیان اهل سنت افرادی را به وضع حدیث به نام ثقات متهم نمودند. افرادی که در میان رجالیان شیعه نه تنها ثقه نبوده، بلکه خود واضح حدیث هستند.

۲- سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس از جمله افرادی هستند که به نقل احادیث دروغین به نام ثقات معروفند. از آنجایی که این دو فرد در زمان خودشان نیز به ضعف و یا کذب متهم بوده‌اند، روایان بعدی برای جلوگیری از ضعف سند روایات خود، با ذکر لقب یا کنیه‌ای چون أبو معاذ، عن شیخ، محمد بن اسماعیل برای سلیمان بن ارقم و بیان نام جد کدیمی به صورت محمد بن موسی به جای محمد بن یونس و همچنین حذف این دونفر از سلسله سند روایات بدون ذکر انقطاع، از اعتبار احادیث خویش نزد رجالیان کاسته‌اند.

۳- به نظر می‌رسد این دونفر جاعل حدیث نباشند، بلکه به خاطر نقل بی‌مهابای هر آنچه که می‌شنیدند، در زمرة جاعلان حدیث جای گرفته‌اند.

۴- برخی از احادیث این دونفر که موضوعه شناخته شده در کتب شیعه با سند



صحیح به معصوم علیہ السلام می رسد. برخی احادیث این دو تن با اعتقادات شیعیان مخالف است مانند: روایات در تحریف قرآن و سهوالنبی. برخی دیگر از این روایات با علم سازگار نیست مانند: خوردن گیاه نشسته یا تعویذ ائمه و همچنین برخی از احادیث با آیات قرآن سازگار نیست مانند: نبوت فرزند پیامبر ﷺ. و برخی از روایات در کتب شیعه دارای حدیث معارض است مانند: روایات خوش یمن بودن چشم آبی‌ها. بنابراین این احتمال مطرح می‌شود که برخی از احادیث اهل سنت به کتب شیعه راه یافته، از روایات منتقله باشد.

## فهرست منابع

### قرآن

۱. ابن أبي شيبة، أبو بكر، الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، محقق: كمال يوسف الحوت، رياض، مكتبة الرشد، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن بابويه قمي، محمدين على بن حسين، عيون أخبار الرضا علیهم السلام، بيروت، مؤسسه الأعلمى، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن جوزي، جمال الدين ابو الفرج، الموضوعات، محقق: عبد الرحمن محمد عثمان مدينة: محمد عبد المحسن صاحب المكتبة السلفية، ۱۳۸۶ق.
۴. ابن جوزي، جمال الدين ابو الفرج، الضعفاء والمتركون، محقق: عبد الله القاضى، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۰۶ق.
۵. ابن زريق، محمدين عبد الرحمن بن محمد، مئن تكلم فيه الدارقطنی في كتاب السنن من الضعفاء والمتركون والمجهولين (فيه أكثر من مائتي ترجمة ليست في سنن الدارقطنني المطبوع)، محقق: أبو عبد الله حسين بن عكاشه، قطر، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية بدولة قطر، ۱۴۲۸ق.
۶. ابن عدى، احمد، الكامل فى الضعفاء، محقق: عادل أحمد عبد الموجود\_علي محمد معوض و عبد الفتاح أبو سنة، بيروت، الكتب العلمية، ۱۴۱۸ق.
۷. ابن قيم جوزيه، محمدين أبي بكر، المنار المنيف في الصحيح والضعيف، محقق: عبد الفتاح أبو غدة، حلب، مكتبة المطبوعات الإسلامية، ۱۳۹۰ق.
۸. ابن كثیر، اسماعیل بن خطیب، تفسیر ابن کثیر، بی‌نا، سلامه، بی‌تا.

فَيْدَا

فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث | ۱۸۸ | هفته پژوهش‌های حدیثی

٩. ابن معين، ابوذكرى يحيى، تاريخ ابن معين (رواية عثمان الدارمى)، محقق: أحمد محمد نور سيف، دمشق، دارالمأمون للتراث، بي.تا.

١٠. ابن جنى، أبوالفتح عثمان، المحتسب فى تبيين وجوه شواذ القراءات والإيضاح عنها، قاهره، وزارة الأوقاف-المجلس الأعلى للشئون الإسلامية، ١٤٢٥ق.

١١. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دارصادر، چاپ سوم، ١٤١٤ق.

١٢. ابوريه، محمود، أضواء على السنن المحمدية أو دفاع عن الحديث، قاهره، دارالمعارف، چاپ ششم، ٢٠١٩م.

١٣. ابويعلى، خليل بن عبدالله، الإرشاد فى معرفة علماء الحديث، محقق: محمد سعيد عمر ادريس، رياض، مكتبه الرشد، ١٤٠٩ق.

١٤. اصفهانى، ابونعيم، معرفة الأصحاب لأبي نعيم، محقق: عادل بن يوسف العزازى، رياض، دارالوطن للنشر، ١٤١٩ق.

١٥. بخارى، أبوعبد الله محمدبن اسماعيل، الضعفاء الصغير، محقق: محمودابراهيم زايد، حلب، دارالوعى، ١٣٩٦ق.

١٦. -----، صحيح البخارى، محقق: قاسم شمامى رفاعى، بيروت، دارالعلم، ١٤٥٧ق.

١٧. ثعلبى نيشابورى، ابواسحاق احمدبن ابراهيم، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، بيروت، دارإحياء التراث العربى، ١٤٢٢ق.

١٨. حلبى، برهان الدين، الكشف الحيثى عن رمي بوضع الحديث، محقق: صبحى سامراوى، بيروت، عالم الكتب، مكتبة النهضة العربية، ١٤٥٧ق.

١٩. خطيب بغدادى، أبوبكر، تاريخ بغداد، محقق: بشار عواد معروف، بيروت، دارالغرب الاسلامى، ١٤٢٢ق.

٢٠. حنبلى، ابن عماد، شذرات الذهب فى أخبار من ذهب، بي.جا، بي.نا، بي.تا.

٢١. خويى، سيد ابوالقاسم، على امام البرره، قم، دارالمهدى، بي.تا.

٢٢. دارقطنى، أبوالحسن على بن عمر، الضعفاء والمتركون، محقق: عبد الرحيم محمد القشقرى، مدینه، مجلة الجامعة الإسلامية، ١٤٥٣ق.

٢٣. دارمى بستى، ابن حبان، الثقات، محقق: محمد عبدالعميد خان مدير دائرة المعارف العثمانية، هند، حيدرآباد دکن، ١٣٩٣ق.



۲۴. -----، المبجوهین من المحدثین والضعفاء والمتروكین، محقق: محمود ابراهیم زاید، حلب، دارالوعی، ۱۳۹۶ق.
۲۵. ذهبانی، شمس الدین، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، محقق: علی محمد البجاوی بیروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر، ۱۳۸۲ق.
۲۶. -----، دیوان الضعفاء والمتروکین وخلق من المجهولین ونقاط فیهم لین، محقق: حماد بن محمد الانصاری، مکه، مکتبة النہضة الحدیثیة، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق.
۲۷. -----، المعنی فی الضعفاء، محقق: نورالدین عتر، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۲۸. -----، تاریخ الإسلام ووفیات المشاہیر والأعلام، قاهره، مکتبة التوفیقیه، ۱۴۱۳ق.
۲۹. سیوطی، عبدالرحمن بن أبي بکر، الحاوی للفتاوی، بیروت، دارالفکر للطبعاھ و النشر، ۱۴۲۴ق.
۳۰. -----، الدر المنشور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
۳۱. شاه پسند، الله، «پژوهشی درباره وضعیت حفص بن سلیمان قاری (در پرتو تمییز مشترکات رجالی)»، علوم حدیث، دوره ۲۱، شماره ۷۹، صص ۱۲۲-۱۴۳.
۳۲. شنقبیطی، محمدامین، اضواء البيان فی ایضاح القرآن بالقرآن، بیروت، دارالفکر للطبعاھ و النشر والتوزیع، ۱۴۱۵ق.
۳۳. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البيان فی تأویل القرآن، محقق: أحمد محمد الشاکر، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۰ق.
۳۴. طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الأحكام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۳۵. -----، الہمالي، قم، مؤسسه البعثه دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۳۶. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۷. عسکری، سید مرتضی، نقش عایشه در تاریخ اسلام، سید مرتضی عسکری، مترجم: عطاء محمد سردارنی، قم، انتشارات مجمع علمی اسلامی، ۱۳۴۲ش.
۳۸. عقیلی، أبو جعفر محمد بن عمرو، الضعفاء الكبير، محقق: عبد المعطي أمین قلعجي، بیروت، دارالمکتبه العلمیه، ۱۴۰۴ق.
۳۹. قشیری نیشابوری، مسلم، المسند الصحیح المحدث صرسینقل العدل عن العدل إلى رسول ﷺ،



محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت، دار إحياء التراث العربي، بي.تا.

٤٠. كليني، محمدين يعقوب، الكاففي، محقق: على اكابر غفارى / محمد آخوندى، تهران،  
دار الكتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

٤١. متقي هندي، علاء الدين على بن حسام، كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، محقق:  
بكري حيانى - صفوة السقا، بي.جا، مؤسسه الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۰۱ق.

٤٢. مجلسى، محمد باقر، بحار الأنوار، محقق: سيد إبراهيم ميانجي، محمد باقر بهبودى، بيروت،  
دار إحياء التراث، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.

٤٣. ميدى، رشيد الدين، كشف الأسرار وعدة الإبار، محقق: على اصغر حكمت، تهران، انتشارات  
امير كبير، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ش.

٤٤. نسائي، أبو عبد الرحمن احمد بن شعيب، الضعفاء والمتركون، محقق: محمود ابراهيم زايد،  
حلب، دارالوعي، ۱۳۹۶ق.